



Examining interactions between social networks and suicides related to online assaults

Sahar Mohammadi¹✉, Mohaddeseh Sadeghian Lemraski²

Abstract

Field and Aims: Social networking refers to a collection of websites and platforms that allow users to create, share, and interact with each other. These platforms somehow help to connect people and groups in different formats. Some famous examples of social networks include Facebook, Twitter, Instagram, LinkedIn, TikTok, and Pinterest. The current research has examined the interactions between social networks and suicides related to online assaults.

Method: This research is of a theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of collecting information is library-based and was done by referring to documents, books and articles.

Findings and Conclusions: Interactions between social networks and suicides related to online attacks is a complex and sensitive issue that includes various psychological, social and technological factors, and social networks can act as platforms for harassment and providing grounds for suicide.

Education and awareness, social and psychological support, reporting to competent authorities and blocking are known as strategies to prevent online suicide.

Keyword: Interactions, social networks, suicide, online assaults.

*Citation (APA): Mohammadi, S., & Sadeghian Lemraski, M. (2024). Examining interactions between social networks and suicides related to online assaults. *Applied criminology research*, 2(3), 95-124.

https://qacr.ir/article_718400.html?lang=en

1. PhD Candidate in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran. (Author). Email: sahar Mohammadi1374@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities of Islamic Azad University, Gorgan Branch, Iran, Gorgan. Email: Mohaddeseh.sadeghian@gmail.com



واکاوی تعاملات بین شبکه‌های اجتماعی و خودکشی‌های مرتبط با تعرضات آنلاین

سحر محمدی^۱ ✉، محدثه صادقیان لمراسکی^۲

چکیده

زمینه و هدف: شبکه‌های اجتماعی به مجموعه‌ای از وبسایت‌ها و پلتفرم‌ها اطلاق می‌شود که به کاربران این امکان را می‌دهند تا محتوا را ایجاد، به اشتراک‌گذاری و با یکدیگر تعامل کنند. این پلتفرم‌ها به نوعی به اتصال افراد و گروه‌ها در قالب‌های مختلف کمک می‌کنند. برخی از مثال‌های معروف شبکه‌های اجتماعی شامل فیسبوک، توئیتر، اینستاگرام، لینکدین، تیک‌تاک و پینترست هستند. تحقیق حاضر، تعاملات بین شبکه‌های اجتماعی و خودکشی‌های مرتبط با تعرضات آنلاین را مورد بررسی قرار داده است.

روش: این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی نگارش یافته است.

یافته‌ها و نتایج: تعاملات بین شبکه‌های اجتماعی و خودکشی‌های مرتبط با تعرضات آنلاین موضوع پیچیده و حساس است که شامل عوامل مختلف روانی، اجتماعی و فناوری می‌شود و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به عنوان بستری برای آزارواذیت و فراهم‌سازی زمینه خودکشی عمل کنند. آموزش و آگاهی، حمایت‌های اجتماعی و روانشناسی، گزارش به مراجع ذیصلاح و مسدود کردن، بعنوان راهکارهایی برای جلوگیری از آسیب خودکشی آنلاین شناخته می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: تعاملات، شبکه‌های اجتماعی، خودکشی، تعرضات آنلاین.

* استناددهی (APA): محمدی، سحر؛ صادقیان لمراسکی، محدثه. (۱۴۰۳). واکاوی تعاملات بین شبکه‌های اجتماعی و خودکشی‌های مرتبط با تعرضات آنلاین. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۲(۳)، ۹۵-۱۲۴.

https://qacr.ir/article_718400.html

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: sahar Mohammadi1374@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان، ایران، گرگان.

رایانامه: Mohaddeseh.sadeghian@gmail.com

مقدمه

خودکشی به عنوان یک تهدید جدی برای نظام اجتماعی از عوامل مختلفی تاثیر می‌پذیرد. یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر پدیده خودکشی، تعاملات در شبکه‌های اجتماعی است. همچنین، خودکشی یکی از نگرانی‌های عمده بهداشت عمومی است و امروزه، رسانه‌های اجتماعی به طور معناداری تشدیدکننده سلامت روانی و خودکشی قلمداد می‌شوند (مرله، وان‌برگن، لوییجمانز، بالت^۱ و همکاران، ۲۰۲۰: ۲). نقش رسانه‌های اجتماعی و تاثیر بالقوه آن بر رفتارهای مرتبط با خودکشی یک پدیده نسبتاً جدید و در حال تکامل است که جامعه تازه شروع به ارزیابی و درک آن کرده است. داده‌های در حال ظهور در مورد تاثیر اینترنت و رسانه‌های اجتماعی بر رفتار خودکشی نشان می‌دهد که این اشکال فناوری ممکن است تهدیدهای جدیدی را برای مردم ایجاد کند. از آنجایی که رسانه‌های اجتماعی بیشتر توسط کاربران نهایی ایجاد و کنترل می‌شوند، تسهیل در خودکشی محتمل است (لوکستون، جان و فیرال^۲، ۲۰۱۲: ۱۹۸). بر همین اساس، تعاملات بین شبکه‌های اجتماعی و خودکشی‌های مرتبط با تعرضات آنلاین یک مسئله بسیار پیچیده و حساس است که در دهه‌های اخیر به‌ویژه با گسترش استفاده از رسانه‌های اجتماعی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

در حالی که استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای جوانان مزایای زیادی دارد، اثرات نامطلوبی مانند آزار و اذیت سایبری، چالش‌های آنلاین، مقایسه اجتماعی و تقلید ممکن است باعث تحریک و تشدید افکار و رفتارهای خودکشی شود. تاثیر رسانه‌های اجتماعی بر سلامت روان و افکار و رفتارهای خودکشی به طور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته و شواهد تجربی بر نقش بالقوه آن در خودکشی افراد تاکید دارد (بالت، مرله، رابینسون، پاپما^۳ و همکاران، ۲۰۲۳: ۴۸). در بیمارانی که در نمونه‌های ارجاع شده بالینی مبتلا به اختلال افسردگی اساسی تشخیص داده شد، ۸۵ درصد افکار خودکشی را گزارش کردند، ۳۲ درصد اقدام به خودکشی در دوران نوجوانی یا جوانی داشتند و ۲٫۵ تا ۷ درصد خودکشی کردند. مطالعات کالبدشکافی روان‌شناختی نشان می‌دهد که تقریباً ۶۰ درصد از نوجوانان قربانی خودکشی معیارهایی را برای برخی از انواع بیماری افسردگی در زمان مرگ برآورده می‌کنند؛ بنابراین، افسردگی بالینی و خودکشی را به هم مرتبط می‌کند (ممون، شارما، محیت و جین^۴، ۲۰۱۸: ۳۸۶). در بسیاری از کشورها، وبسایت‌ها فرصتی برای ایجاد هویت آنلاین و تعامل با دیگران، از جمله غریبه‌ها،

1. Mérelle, Van Bergen, Looijmans, Balt & et al
2. Luxton, June & Fairall
3. Balt, Mérelle, Robinson, Popma & et al
4. Memon, Sharma, Mohite & Jain

فراهم می‌کنند و در نتیجه، منجر به ایجاد یک شبکه اجتماعی می‌شوند که اثرات مشخصی بر سلامتی را ارائه می‌دهد. یک اثر منفی مهم سلامتی، ارتباط مثبت بین استفاده از رسانه‌های اجتماعی و افسردگی است. مطالعه‌ای در اینستاگرام نشان داد که افسردگی در نوجوانانی که در مقایسه‌های اجتماعی دنبال غریبه‌ها بودند، در مقایسه با نوجوانانی که فقط دوستان را دنبال می‌کردند، شایع‌تر بود. در کل، افسردگی یکی از علل اصلی افکار خودکشی است (لوپ، تروب و روزنتال^۱، ۲۰۱۵: ۲۴۸). به طور کلی، مطالعات گسترده میدانی نشان داده که تعاملات بین شبکه‌های اجتماعی در بسیاری موارد تشدیدکننده خودکشی در بین افراد جامعه است. از طرفی هم استفاده از رسانه‌های اجتماعی توسط نوجوانان به طور قابل‌توجهی افزایش یافته است که خطر شیوع افسردگی و خودکشی در آنان را افزایش می‌دهد. به طور مستمر در دهه گذشته، در ایالات متحده میزان خودکشی افزایش یافته و خودکشی دومین علت شایع مرگ‌ومیر در جوانان است. از این رو، افزایش نرخ خودکشی به موازات افزایش همزمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی بوده است. شواهد نشان می‌دهد که جوانان خودآزار و مستعد خودکشی در شبکه‌های اجتماعی آنلاین فعال‌تر از جوانانی هستند که رفتارهای خودآزاری انجام نمی‌دهند (ممون، شارما، محیت و جین^۲، ۲۰۱۸: ۳۸۵). بنابراین، در شبکه‌های اجتماعی مسائلی مانند تهدیدهای مستقیم، ارسال پیام‌های تهدیدآمیز یا توهین‌آمیز به فرد، نظرات، پست‌ها یا پیام‌های توهین‌آمیز در مورد فرد در فضای عمومی اینترنت، انتشار اطلاعات مخرب، انتشار شایعات یا اطلاعات نادرست درباره فرد به منظور آسیب‌زدن به شهرت او، تحدید هویت و جعل هویت فرد و ارسال پیام‌ها یا محتوای مخرب به نام او و اخاذی و تهدید به افشای اطلاعات خصوصی یا شرم‌آور فرد در صورت عدم پاسخ‌دهی به خواسته‌های آزاردهنده از جمله مواردی هستند که می‌توانند زمینه‌ساز خودکشی افراد در فضای آنلاین باشند. تعرضات آنلاین، به عنوان یکی از مخرب‌ترین شکل‌های قلدری مجازی، شامل تهدید، تحقیر، تمسخر و حتی انتشار محتوای ناخواسته‌ای است که زندگی اجتماعی و روانی افراد را تهدید می‌کند. این تعرضات می‌توانند تأثیرات عمیقی بر روان قربانیان خود بگذارند و به احساسات شدیدی از ناامیدی، اضطراب و افسردگی منجر شوند. بسیاری از قربانیان این نوع قلدری‌ها، به ویژه نوجوانان و جوانان، قادر به مقابله با این فشارهای روانی نبوده و در مواردی به رفتارهای آسیب‌زا همچون خودکشی روی می‌آورند. بر همین اساس، می‌توان گفت بررسی

1. Lup, Trub & Rosenthal
2. Memon, Sharma, Mohite, & Jain

تعاملات بین شبکه‌های اجتماعی و خودکشی‌های مرتبط با تعرضات آنلاین نیاز به مطالعه دقیق و کنکاش علمی دارد.

ادبیات و مبانی نظری

نظریات تبیین‌کننده رابطه بین شبکه‌های اجتماعی و خودکشی بسیار وسیع هستند و این نظریات به طور گسترده‌ای در اغلب جوامع به تایید پژوهشگران رسیده‌اند. شبکه‌های اجتماعی آنلاین همچنین منجر به افزایش قرارگرفتن در معرض و درگیرشدن در رفتار آسیب‌رسانی به خود می‌شود، زیرا کاربران پیام‌های منفی برای ترویج آسیب‌رسانی به خود، الگوبرداری از رفتار آسیب‌رسان به خود و دیگران و اتخاذ شیوه‌های خودآزاری از ویدیوهای به‌اشتراک گذاشته‌شده دریافت می‌کنند. زمان بیشتری که در وبسایت‌های شبکه‌های اجتماعی صرف می‌شود، منجر به پریشانی روانی بیشتر، نیاز برآورده‌نشده به حمایت از سلامت روان، سلامت روانی ضعیف و افزایش افکار خودکشی می‌شود. در نتیجه، زمان بیشتری که در شبکه‌های اجتماعی آنلاین صرف می‌شود، رفتار خودآزاری و افکار خودکشی را در نوجوانان آسیب‌پذیر ترویج می‌کند (ممون، شارما، محیت و جین^۱، ۲۰۱۸: ۳۸۵). مطالعات نشان می‌دهد که ارتباط مثبتی بین آزارواذیت اینترنتی، خودآزاری عمدی و رفتار خودکشی در میان افراد وجود دارد. در همین ارتباط، قلدری از طریق اینترنت خطر افکار خودکشی را با ضریب بالایی افزایش می‌دهد (وان‌گل، ودر و تانیلون^۲، ۲۰۱۴: ۴۳۷).

شواهد بین‌المللی ارتباط بین فراوانی و حجم استفاده از رسانه‌های اجتماعی و اختلال خواب و همچنین، تنهایی و افسردگی را گزارش می‌دهند که در نهایت، خطر خودکشی را افزایش می‌دهند. در برخی مطالعات جدید، خود نوجوانان رسانه‌های اجتماعی را به عنوان یک عامل کلیدی کمک‌کننده به افکار افسردگی توصیف کرده‌اند و مشکلات سلامت روان، از جمله افسردگی، یکی از قوی‌ترین عوامل خطر برای خودکشی در نوجوانان است (چا، فرانز، گازمن، گلن^۳ و همکاران، ۲۰۱۸: ۶۶۴). همچنین، اسناد فزاینده‌ای برای ارتباط بین استفاده از رسانه‌های اجتماعی و رفتارهای خودکشی وجود دارد. تحقیقات در ایالات متحده نشان می‌دهد که افزایش رفتارهای خودکشی در میان نوجوانان ممکن است تا حدی به افزایش زمان نمایش رسانه‌های جدید نسبت داده شود. برخی تحلیل‌ها به این نتیجه رسیدند که قربانی آزار سایبری با خودآزاری، افکار خودکشی و اقدام به خودکشی مرتبط هستند. چندین متخصص در

1. Memon, Sharma, Mohite & Jain
2. Van Geel, Vedder & Tanihon
3. Cha, Franz, Guzmán, Glenn & et al

نهایت، نگرانی خود را در مورد درگیری رسانه‌های اجتماعی با شبکه‌های خودکشی بیان می‌کنند (هاوتون، هیل، گولد، جان^۱ و همکاران، ۲۰۲۰: ۶۰). در کل، شواهدی مبنی بر تأثیر منفی استفاده از رسانه‌های اجتماعی بر خودآزایی و خودکشی عمدی نوجوانان وجود دارد و این نوجوانان شبکه‌های اجتماعی و وبسایت‌های ویدئویی را به عنوان منابع رایج گزارش‌های خودکشی ذکر کردند (ممون، شارما، محیت و جین^۲، ۲۰۱۸: ۳۸۸).

خودکشی‌های مرتبط با تعاملات بین شبکه‌های اجتماعی معمولاً در برخی گروه‌های سنی از جمله نوجوانان و جوانان بیشتر مشاهده می‌شود و تحقیق‌ها نشان می‌دهند که پدیده خودکشی آنلاین به ویژه در گروه‌های نوجوانان و جوانان، دانش‌آموزان و زنان جوان شایع‌تر است. این گروه‌های سنی به دلیل فشارهای اجتماعی، نیاز به پذیرش و هویت‌یابی، بیشتر در معرض آزاروآذیت آنلاین قرار دارند. تجربیات منفی در این مقطع زندگی می‌تواند به احساس انزوا و ناامیدی منجر شود و عواقب جدی به همراه داشته باشد. شواهد زیادی وجود دارد که رسانه‌های اجتماعی تحت وب می‌توانند خطر رفتار خودکشی را افزایش دهند؛ برای مثال، آزاروآذیت سایبری و آنلاین، مشکلات جدی و شایعی هستند که کودکان یا نوجوانان عمداً و مکرراً توسط دیگران در قالب تهدید و آزاروآذیت یا تحقیر یا خجالت‌زده می‌شوند. این روش فقط مختص کودکان یا نوجوانان نیست، بلکه برخی از بزرگسالان نیز درگیر این گونه رفتارها هستند (لوکستون، جان و فایرال، ۲۰۱۲: ۱۹۶). در کل، تبیین نظری تعاملات بین شبکه‌های اجتماعی و خودکشی را می‌توان با دو نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی و یادگیری اجتماعی انجام داد. بر اساس نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی، هر جامعه‌ای که دچار نقص در ساختارها یا نهادهای خود باشد، ممکن است با مشکلات اجتماعی مواجه شود. در دنیای امروز که فضای مجازی به بخش مهمی از زندگی اجتماعی تبدیل شده است، عدم وجود قوانین کافی برای مقابله با تعرضات آنلاین، یکی از این مشکلات اجتماعی است. این نظریه معتقد است که ناکارآمدی در ساختارهای قانونی و اجتماعی برای محافظت از افراد در برابر تعرضات آنلاین می‌تواند زمینه‌ساز افزایش میزان آسیب‌های روانی و اجتماعی شود (مهدی‌پور، ۱۳۹۷: ۵۳). نظریه یادگیری اجتماعی، که توسط آلبرت بندورا ارائه شده است، توضیح می‌دهد که رفتارهای انسانی عمدتاً از طریق مشاهده و تقلید از دیگران آموخته می‌شود. در فضای آنلاین، کاربران نوجوان ممکن است رفتارهای تعرض‌آمیز را از دیگر کاربران مشاهده کرده و آن را تقلید کنند. این نظریه بر نقش محیط اجتماعی و یادگیری از طریق تعاملات تأکید دارد (حسینی و

1. Hawton, Hill, Gould, John & et al
2. Memon, Sharma, Mohite & Jain

رایجیان اصلی، ۱۴۰۲: ۲۸۰). تعرضات آنلاین نیز می‌تواند نتیجه‌ای از همین فرآیند باشد، چرا که مهاجمان آنلاین معمولاً با دیدن رفتارهای مشابه در شبکه‌های اجتماعی، این اعمال را تکرار می‌کنند.

یافته‌ها

۱. عوامل زمینه‌ساز خودکشی‌های مرتبط با تعرضات آنلاین

۱-۱. آزاروآذیت آنلاین

تعرضات آنلاین مانند آزاروآذیت، قلدری دیجیتال و انتشار محتواهای مخرب می‌تواند تأثیرات منفی بر سلامت روان افراد داشته باشد. افرادی که هدف این نوع رفتارها قرار می‌گیرند، ممکن است احساس تنهایی، ارزشمندی کم و حتی افکار خودکشی پیدا کنند. آزاروآذیت آنلاین^۱ به هر نوع رفتار هدفمند و بدخواهانه در فضای دیجیتال اطلاق می‌شود که شامل آزاروآذیت، تهدید، انتشار اطلاعات نادرست یا مخرب درباره فردی دیگر می‌شود. این نوع آزاروآذیت می‌تواند از طریق انواع مختلف پلتفرم‌ها و ابزارهای آنلاین مانند شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌ها و بازی‌های آنلاین صورت گیرد. به طور کلی، سایت‌های شبکه‌های اجتماعی بستری آنلاین برای «قلدری سایبری» فراهم می‌کنند. آزاروآذیت سایبری عمل یا رفتاری تهاجمی، که توسط یک فرد یا گروه با استفاده از شبکه‌های اجتماعی علیه قربانی انجام می‌شود، با سطوح بالاتر افسردگی، عزت‌نفس پایین، مشکلات رفتاری، سوء‌مصرف مواد و افکار خودکشی مرتبط است (کوپر، کلمنت و هولت^۲، ۲۰۱۲: ۲۷۶).

وب‌سایت‌های اشتراک‌گذاری ویدیو نیز در اینترنت حضور و محبوبیت پیدا کرده‌اند، به‌ویژه از زمان ایجاد یوتیوب در سال ۲۰۰۵؛ یکی از نگرانی‌های اصلی در مورد ویدیوهای خودکشی یا خودآزاری این است که آنها ممکن است رفتارهای آسیب‌رسان به خود را عادی کرده و تقویت کنند یا باعث عدم بازداری افراد از خودکشی شوند. برخی پژوهشگران دسترسی و محتوای محبوب‌ترین ویدیوهای یوتیوب مرتبط با خودآزاری غیرخودکشی را بررسی کردند و رفتارهایی مانند بریدن رگ دست، سوزاندن و ضربه‌زدن به خود در آنها مشاهده می‌شود و این ویدیوها بسیار پربازدید بودند. در نتیجه، این وضعیت نشان‌دهنده یک روند هشداردهنده است که ممکن است در آن، خودآزاری و خودکشی تشویق شود و این رفتارها رو به افزایش باشد (لوئیس، هلث، دنیز و نوبل^۳، ۲۰۱۱: ۵۵۳). بنابراین، افزایش قرارگرفتن در معرض داستان‌های

1. Cyberbullying

2. Cooper, Clements & Holt

3. Lewis, Heath, Denis & Noble

خودکشی در شبکه‌های اجتماعی آنلاین با افزایش افکار خودکشی همراه است و استفاده منظم از سایت‌های شبکه‌های اجتماعی احتمالاً می‌تواند رفتار آسیب‌رسان به خود مانند خودکشی را در سایر کاربران تشویق کند (ردوویک، جملین، استین و میلر^۱، ۲۰۱۷: ۶). بر همین اساس، استفاده منفی از رسانه‌های اجتماعی شامل به‌اشتراک گذاشتن رفتارهای مخاطره‌آمیز مانند سیگار کشیدن، مشروبات الکلی، دعوا، لباس پوشیدن نامناسب و عکس‌های تلقین‌کننده برای جلب توجه یا مقایسه‌های تحقیرآمیز خود با دیگران است که افراد در مواجهه با محتوای آزاردهنده، به رفتارهایی مانند خودآزایی و خودکشی، اختلال در غذاخوردن و آزار اینترنتی روی می‌آورند (ممون، شارما، محیت و جین^۲، ۲۰۱۸: ۳۸۸). به طور کلی، آزاردیدگان ممکن است با مشکلاتی نظیر اضطراب، افسردگی، تنهایی و احساس بی‌ارزشی مواجه شوند. همچنین، آزاروادیت آنلاین ممکن است باعث کاهش تمرکز و عملکرد فرد در مدرسه یا محل کار شود. در برخی موارد، اثرات روانی می‌تواند منجر به مشکلات جسمی مانند سردرد، اختلال خواب و موارد مشابه شود. کما اینکه در موارد حاد، آزاروادیت آنلاین می‌تواند به افکار خودکشی و حتی اقدام به خودکشی منجر شود.

۲-۱. اضطراب و افسردگی

تحقیقات نشان داده است که کاربران فعال شبکه‌های اجتماعی که تجربه آزار آنلاین دارند، بیشتر در معرض ابتلا به اضطراب و افسردگی هستند.

این نتیجه به چندین دلیل قابل توضیح است: اول: آزار آنلاین می‌تواند احساس ناامنی و تهدید را در کاربران ایجاد کند. این احساسات ممکن است به طور مداوم در طول زمان تجربه شوند و منجر به اضطراب و افسردگی شوند. دوم: افرادی که تحت آزار آنلاین قرار می‌گیرند، ممکن است از دوستان و خانواده خود فاصله بگیرند و به دلیل احساس شرم یا عدم فهم دیگران، از برقراری ارتباط با دیگران صرف‌نظر کنند. سوم: آزاروادیت آنلاین می‌تواند به کاهش اعتماد به نفس و عزت نفس فرد بینجامد که این موضوع می‌تواند با بروز احساسات منفی و افسردگی همراه باشد.

چهارم: در فضای شبکه‌های اجتماعی، مقایسه خود با دیگران رواج دارد. افرادی که آزار می‌بینند، ممکن است احساس کنند که از دیگران پایین‌تر هستند و این امر می‌تواند به احساس افسردگی و ناامیدی منجر شود. پنجم: استرس ناشی از مواجهه با آزار آنلاین می‌تواند بر

1. Radovic, Gmelin, Stein & Miller
2. Memon, Sharma, Mohite & Jain

سلامت روان افراد تأثیر منفی بگذارد و باعث بروز مشکلاتی مانند بی‌خوابی، مشکلات تمرکز و تغییرات خلقی شود. این مشکلات روانی می‌تواند خطر خودکشی را افزایش دهند. تفاوت در معرض آسیب‌بودن و در معرض خطر بودن از آنجایی است که آسیب یا خسارت^۱ عبارت است از هرگونه تغییر در یک چیز، اغلب یک جسم فیزیکی، که آن را از حالت اولیه خود دور می‌کند. به‌طور کلی، آسیب را می‌توان «تغییرات ایجادشده در یک مجموعه که بر عملکرد فعلی یا آینده آن تأثیر منفی می‌گذارد» تعریف کرد. آسیب «لزوماً به معنای از بین رفتن کامل عملکرد مجموعه نیست، بلکه به این معنی است که سیستم دیگر به روش مطلوب خود کار نمی‌کند» (Farrar, C.R., Sohn, H., Park, G., 2005, 67).

خطر که در انگلیسی به دو کلمه (Danger) و (Hazard) می‌باشد، یعنی هر منبع یا شرایطی که پتانسیل آسیب‌رسانی و صدمه را داشته باشد.^۲ در مقام تطبیق دو مفهوم یادشده بر موضوع مورد نظر این نوشتار می‌توان گفت که در معرض خطر بودن نسبت به فضای مجازی جایی مصداق پیدا می‌کند که مانعی از ورود به فضای مجازی نباشد، یعنی کاربر در شرایطی قرار گرفته است که آن شرایط، پتانسیل و ظرفیت آسیب‌رسانی را دارد؛ اما همین که نسبت به ورود در این فضا اقدام ورزید، در معرض آسیب‌بودن صدق می‌کند.

۳-۱. تأثیرات اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی می‌توانند بر نحوه تعامل افراد با یکدیگر تأثیر بگذارند و در برخی موارد، ایجاد یک محیط سمی را تسهیل کنند. این امر به ویژه در میان جوانان و نوجوانان که به شدت تحت تأثیر نظرات و انتقادات دیگران قرار دارند، نمود بیشتری دارد.

تأثیرات اجتماعی زمینه‌ساز خودکشی ناشی از تعرضات آنلاین می‌تواند به صورت گسترده‌ای بر سلامت روان و عاطفی افراد آسیب‌دیده تأثیر بگذارد. برخی از این تأثیرات عبارتند از:

الف: احساس طرد اجتماعی: افرادی که مورد آزار و اذیت آنلاین قرار می‌گیرند، ممکن است احساس کنند که توسط اعضای جامعه یا دوستی‌های خود طرد شده‌اند. این احساس طرد می‌تواند منجر به انزوا و افسردگی عمیق شود. مطالعات میدانی نشان داده است که قربانیان آزار اینترنتی تقریباً ۲ برابر بیشتر از سایر افراد عادی اقدام به خودکشی می‌کنند. اگرچه آزار و اذیت سایبری را نمی‌توان به عنوان تنها عامل پیش‌بینی‌کننده خودکشی در نوجوانان و

1. Damage

۲. ر. ک: مفهوم خطر، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۳/۲/۱۷، قابل‌بازبینی در پیوند: <https://fa.wikipedia.org/wiki>

جوانان شناسایی کرد، اما می‌تواند با تقویت احساس انزوا، بی‌ثباتی و ناامیدی برای افرادی که دارای استرس‌های عاطفی، روانی یا محیطی هستند، خطر خودکشی را افزایش دهد (لوکستون، جان و فایرال، ۲۰۱۲: ۱۹۶).

ب: افزایش استیگما: در بسیاری از جوامع، صحبت کردن درباره آزاروآذیت‌های آنلاین به عنوان یک موضوع تابو محسوب می‌شود. این امر می‌تواند منجر به این شود که افراد آسیب‌دیده احساس کنند که نمی‌توانند در مورد تجربیات خود صحبت کنند و در نتیجه، احساس تنهایی و بی‌پشتیبانی بیشتری داشته باشند.

ج: عدم وجود شبکه‌های حمایتی: در فرهنگ فارسی عمید، حمایت به معنای «نگهداری کردن، دفاع کردن از کسی، پشتیبانی کردن» آمده است (عمید، ۱۳۶۲: ۳، ۱۲۵-۱۸۱). طبق تعریفی دیگر، حمایت یعنی «اطمینان از اینکه کسی یا چیزی صدمه یا آسیب نبیند». براساس تعریف سومی، «کمک‌کردن به گونه‌ای که در برابر حمله، بدرفتاری یا خطر محافظت شود» حمایت نامیده می‌شود (نوروز، ۱۴۰۰: ۵۱).

مفهوم این واژه در بحث از حمایت از کودکان در معرض خطر فضای مجازی، اعم از شناسایی، پذیرش نگهداری و توانمندسازی می‌باشد.^۱

جوامع و خانواده‌هایی که نسبت به آزاروآذیت‌های آنلاین بی‌توجه هستند، نمی‌توانند شبکه‌های حمایتی کافی برای افرادی که در معرض خطر قرار دارند، ایجاد کنند. فقدان این شبکه‌ها می‌تواند آسیب‌پذیری فرد را افزایش دهد.

د: تشدید فشار اجتماعی: فشارها و توقعات اجتماعی می‌تواند احساس ناکافی بودن را در افراد ایجاد کند. افرادی که تحت تعرضات آنلاین قرار می‌گیرند، ممکن است احساس کنند که نمی‌توانند با فشارهای اجتماعی سازگار شوند و این احساسات می‌تواند به خودکشی منجر شود.

و: تأثیر بر هویت فردی: آزاروآذیت آنلاین می‌تواند موجب تردید در هویت شخصی و خودباوری افراد شود. این تجربه می‌تواند احساس بی‌ارزشی و ناامیدی را تشدید کند که به خودکشی منجر می‌شود.

ه: خودسرزنی و احساس گناه: افرادی که مورد آزار قرار گرفته‌اند، ممکن است به‌خاطر آنچه که بر آن‌ها می‌گذرد، خود را سرزنش کنند. این نوع نگرش می‌تواند منجر به تشدید احساسات منفی و زمینه‌سازی افکار و تمایلات خودکشی شود.

۱. بند الف ماده ۶ قانون حمایت و آیین‌نامه اجرایی ماده ۶.

ی: تأثیر بر روابط بین فردی: آزار و اذیت آنلاین می تواند تأثیر منفی بر روابط فرد با دیگران بگذارد. افراد ممکن است به دلیل تجربیات ناخوشایند خود، از برقراری ارتباط با دیگران فاصله بگیرند و در نتیجه، احساس تنهایی بیشتری کنند.

مطالب یاد شده بیانگر آن است که تأثیرات اجتماعی ناشی از تعرضات آنلاین می تواند به طور قابل توجهی بر وضعیت روانی فرد تأثیر بگذارد و به افزایش خطر خودکشی کمک کند. ایجاد آگاهی اجتماعی، حمایت از قربانیان و ترویج ارائه ی فضای امن برای گفتگو می تواند در کاهش این خطر بسیار مؤثر باشد.

۴-۱. محافظت ناکافی از سوی خانواده و جامعه

عدم حمایت عاطفی از طرف والدین و دوستان یا عدم واکنش مناسب از سوی نهادهای اجتماعی می تواند وضعیت فرد را وخیم تر کند. والدین واژه ای است که بعنوان جایگزین الفاظ: پدر، مادر، آباء و أمهات به کار برده می شود. در لغت نامه دهخدا، والدین یا زادآوران به معنی پدر و مادر آمده است و نیز اضافه شده است که همچنین، والدین به سرپرست فرزند یا فرزندان هم گفته می شود که می توانند والدین بیولوژیکی (طبیعی) یا پدر و مادر خوانده فرزند باشند (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴، ۲۰۴۲۵؛ عمید، ۱۳۶۳: ۱۹۴۰). در فرهنگ قرآنی، گاه علاوه بر پدران، از اجداد انسان نیز تعبیر به «آباء» شده است؛ در این رابطه، اشاره به چند نمونه آیه، نظیر آیه ۱۷۰ سوره بقره و ۱۸۰ همان سوره مناسب است. دقت در مفاد آیات شریفه بیانگر آن است که والدین، مفهومی گسترده داشته و به نوعی، اعم از پدران و مادران، یعنی آباء و اجداد می باشد و این همان چیزی است که در معنای لغوی این واژه گذشت. در اصطلاح فقهی و حقوقی نیز به افرادی که با فرزند خویش دارای نسب شرعی و قانونی می باشند، والدین گفته می شود. حال این نسب هنگامی شرعی و قانونی خواهد بود که در زمان انعقاد نطفه پدر و مادر دارای رابطه نکاح و زوجیت صحیح اعم از دائم یا موقت باشند (مظاهری، ۱۳۹۲: ۳). به نظر می رسد که مفهوم عرفی والدین از معنای لغوی، قرآنی و اصطلاحی آن در فقه و حقوق به دور افتاده است؛ زیرا در عرف، غالباً از اطلاق این واژه، صرف پدر و مادر و نه غیر آنها به ذهن متبادر می گردد و دیگر اقربا کودک اعم از پدر بزرگ و مادر بزرگ که از آنها تحت عنوان «جد» و «جده» یاد می شود، ذیل عنوان والدین قرار نمی گیرند. بنا بر آنچه گذشت، می توان گفت که والدین، اعم از پدر و مادر، جد و جده و غیر اینها باشد، چون کودک به لحاظ ژنتیکی متأثر از این افراد بوده و چه بسا در موارد زیادی دیده می شود که یک کودک، به لحاظ رفتاری و یا شکل ظاهری، به پدر پدر، پدر مادر، مادر پدر،

مادر مادر و یا غیر اینها شباهت پیدا می کند؛ لذا، به دلیل وجود چنین تشابهات و وجوه مشترک ژنتیکی، بی تردید، محدود کردن دایره مفهومی والدین در صرف پدر و مادر مناسب به نظر نمی رسد.

محافظت ناکافی از سوی خانواده و جامعه می تواند تأثیرات عمیقی بر سلامت روان افراد در معرض تعرضات آنلاین داشته باشد و به نوعی، زمینه ساز افکار یا اقدام به خودکشی شود. برخی از این تأثیرات شامل موارد زیر است:

احساس تنهایی و انزوا: زمانی که افراد در برابر آزارواذیت آنلاین مورد حمایت عاطفی قرار نمی گیرند، ممکن است احساس تنهایی و انزوا کنند. این احساسات می توانند به تشدید افسردگی و اضطراب منجر شوند که یکی از عوامل خطرناک خودکشی است.

عدم اعتبار احساسات: اگر خانواده یا جامعه تجربه آزارواذیت آنلاین فرد را جدی نگیرد یا آن را کوچک بشمارد، احساس بی ارزشی و عدم پذیرش می تواند در فرد ایجاد شود. افراد ممکن است احساس کنند که درد آنها معتبر نیست و این می تواند حس ناامیدی عمیق تری را به وجود آورد.

کمبود منابع حمایتی: در صورت عدم وجود حمایت از سمت خانواده یا جامعه، افراد ممکن است دسترسی به خدمات مشاوره یا روان شناسی نداشته باشند. این عدم دسترسی به منابع کمک می تواند منجر به عدم توانایی در مدیریت مشکلات روحی و روانی افراد شود.

خودسرزنشی و سرخودتی: عدم حمایت مناسب می تواند باعث شود فرد شروع به سرزنش خود کند که چرا نتوانسته است از خود دفاع کند یا چرا مورد آزار قرار گرفته است. این نوع خودسرزنشی می تواند احساس گناه و ناکامی را افزایش دهد و موجب تشدید افکار خودکشی شود.

تشدید استیگما: در برخی جوامع، ممکن است آزارواذیت های آنلاین به طور عمومی مورد توجه قرار نگیرد یا به عنوان موضوع تابو مطرح شود. این امر می تواند باعث شود که افراد به راحتی نتوانند در مورد تجربیات خود صحبت کنند و در نتیجه، احساس تنهایی بیشتری داشته باشند.

عدم ایجاد احساس امنیت: نبود حس امنیت در محیط خانواده یا جامعه می تواند حس آسیب پذیری را افزایش دهد. هنگامی که فرد احساس کند که از سوی نزدیکان خود نیز حمایت نمی شود، ممکن است با مشکلات روحی و روانی بیشتری دست و پنجه نرم کند. نتیجه اینکه محافظت ناکافی از سوی خانواده و جامعه می تواند با افزایش احساس تنهایی، عدم اعتبار

احساسات، کمبود منابع حمایتی و تشدید احساس ناکامی و بی‌ارزشی، شرایطی را به وجود آورد که فرد آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به افکار خودکشی پیدا کند. ایجاد حمایت‌های مؤثر و فراهم کردن فضایی امن و پذیرنده برای گفتگو درباره آزارواذیت آنلاین می‌تواند به کاهش این خطر کمک کند.

۲. علل و عوامل وقوع بزه در فضای مجازی

حجم عظیمی از اطلاعات در مورد خودکشی‌های مرتبط با اینترنت و رسانه‌های اجتماعی در دسترس است. به طور معمول، فضای اینترنت و رسانه‌های اجتماعی بستری برای آموزش خودکشی و روش‌های خودکشی است و وبسایت‌های مختلفی اطلاعات واقعی درباره خودکشی ارائه می‌کردند و سایت‌های خودکشی و اتاق‌های گفتگو که در مورد مسائل کلی مرتبط با خودکشی بحث می‌کردند، رو به افزایش است. این درحالی است که بسیاری از این سایت‌ها را می‌توان با موتورهای جستجوی معمول پیدا کرد (لوکستون، جان و فایرال، ۲۰۱۲: ۱۹۵). برنامه‌ریزی ملی در راستای کاهش جرم از سوی دیگر، از مؤثرترین روش‌های کاربردی پیشگیری از جرم به شمار می‌آید. تدوین برنامه ملی پیشگیری از جرم مستلزم فرآیندی است که با در نظر گرفتن آن، سازوکارهای مهار جرم در هر جامعه مشخص شده و سپس، به اجرا در می‌آیند. در همین خصوص، شرکت‌های امنیت خصوصی نیز از طریق مراقبت و نگهداری و سازوکارهای کنترل ورودی‌ها و هشداردهنده‌ها، در پیشگیری از جرم مشارکت می‌کنند. در واقع، پیشگیری از جرم گاهی آگاهانه و گاهی بطور ناخودآگاه توسط واحدهای تأمین امنیت ادارات و پلیس اعمال و اجرا می‌شود (میانجی و عابدی، ۱۳۸۹: ۱۱). مطالعات نشان داده‌اند که به‌دست آوردن اطلاعات مربوط به خودکشی در اینترنت، از جمله اطلاعات دقیق در مورد روش‌های خودکشی، بسیار آسان است (لوکستون، جان و فایرال، ۲۰۱۲: ۱۹۵). نظر به مطالب یادشده، می‌توان علل و عوامل وقوع بزه در فضای سایبر را به دو قسم علل و عوامل فردی و اجتماعی تقسیم‌بندی نمود که در ادامه بدانها پرداخته خواهد شد.

۲-۱. خودکنترلی

نظریه‌ی عمومی جرم^۱ یا خودکنترلی^۲ که تراویس هیرشی^۳ و میشل گاتفردسون^۱ در تعدیل «کنترل اجتماعی» مطرح کردند، در واقع از دو نظریه انتخاب عقلانی، فعالیت روزمره و کنترل

1. General Theory of Crime
2. Self- control
3. Hirschi

با دیدگاه زیست-اجتماعی و روانشناختی ترکیب شده است. این دو اندیشمند بیان می‌دارند که نظریه‌ی عمومی جرم دسته بزرگی از جرائم را صرف نظر از سن، جنسیت، قومیت و نژاد مرتکب شامل می‌شود. هیرشی و گاتفردسون از نظریه‌ی قبلی هیرشی مبنی بر اینکه تداوم پیوندهای اجتماعی مانع از رفتارهای اجتماعی می‌شود، فاصله گرفتند و بیان کردند افزون بر بازدارنده‌های اجتماعی، موانع و بازدارنده‌های فردی یا خودکنترلی نیز از رفتار انحرافی و ارتکاب بزه جلوگیری می‌کنند (علی‌وردی‌نیا؛ یونسی، ۱۳۹۶: ۱۰۰).

رشد صحیح هیجانی-عاطفی که در دوران کودکی و نوجوانی به وجود می‌آید، بازدارنده‌های فردی در درون فرد را ایجاد می‌کند. تجربه بزه‌دیدگی در این دوران چنانچه در روند رشد کودکان و نوجوانان اختلال ایجاد کند و مانع پرورش خودکنترلی در آنان شود، موجب گرایش ایشان به رفتارهای خلاف قانون و نابهنجار می‌شود. از خودکنترلی تعاریف گوناگونی ارائه شده است که همه آنها به معنی توانایی کف نفس و کنترل رفتار خود در برابر وقایع خارجی هستند. در واقع، دو گروه واژه کلیدی در این تعاریف موجود است: کنترل درونی و واقعه خارجی؛ به این معنی که زمانی ما فرد را دارای خودکنترلی بالا می‌دانیم که آن فرد صرفاً به دلیل ارزشها و تقویت‌کننده‌های درونی خود در برابر وسوسه‌ها و کنش‌های بیرونی مقاومت کند و واکنشی صحیح و درخور به آنها نشان دهد. هرچه واکنش و پاسخ فرد منطبق‌تر بر ارزشها، آرمانها، اخلاق و انتظارات عموم جامعه باشد، پاسخ، صحیح‌تر و فرد با خودکنترلی بالاتر توصیف می‌گردد (شعبانزاده، ۱۳۹۵: ۲۰).

منشأ ضعف خودکنترلی به فرآیند جامعه‌پذیری در دوران طفولیت و نوجوانی بستگی دارد. اطفال و نوجوانانی که فرآیند جامعه‌پذیری آنها به درستی تکمیل نشده است، دارای سطح پائینی از خودکنترلی هستند؛ چرا که کنترل درونی تا حد زیادی به رشد سالم هیجانی و روانی-اجتماعی بستگی دارد. تجربه‌ی بزه‌دیدگی و سوءرفتار در کودکی و نوجوانی موجب اختلال رشد هیجانی و روانی-اجتماعی آنان می‌شود و اثرات منفی و مخربی را به وجود می‌آورد.

بزه‌دیدگی در دوران کودکی و نوجوانی موجب از بین رفتن پایه‌های احساسی و اجتماعی، الگوهای جامعه‌پذیری و خودکنترلی افراد می‌شود که ارتباط مستقیمی با سن کودک دارد؛ پایین بودن سن کودکان در حین تجربه چنین واقعه‌ای اثرات مخرب آن را بیشتر خواهد کرد. لنزفورد^۲ بعد از تحقیقات در این حوزه اذعان داشته است که کودکانی که سوءرفتار جسمانی

1. Gottfredson
2. Lansford

را قبل از پیش‌دبستانی تجربه کرده‌اند، بیش از دیگران با خودکنترلی پائین و پیامدهای منفی اجتماعی آن مواجه می‌شوند (Kort-Butler, 2011: p 1247). از طرف دیگر، زمانی که آلام ناشی از بزه‌دیدگی به وسیله والدین یا یکی از نزدیکان طفل یا نوجوان بر وی تحمیل شود، این رابطه آشکارتر می‌شود؛ زیرا اگر منبع اولیه‌ی جامعه‌پذیری علاوه بر انجام‌ندادن صحیح وظایف و تعهدات خود در قبال طفل، نوجوان و جامعه، اقدام به واردآوردن آسیب‌های جسمانی و روانی به کودک یا نوجوان کند، اثرات مخرب آن دوچندان خواهد شد.

اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری هنگامی اهمیت زیادی پیدا می‌کند که کیفیت کنش متقابل بین دو عنصر جامعه‌پذیرکننده و جامعه‌پذیرشونده وجود داشته باشد؛ در صورت وجود این کنش مثبت و سازنده، جامعه‌پذیرشونده نه تنها به راحتی موفق بر درونی‌کردن نقشها، ارزش‌ها و باورها می‌شود، بلکه از نظر روانی و اجتماعی نیز به رشد مطلوبی خواهد رسید (منادی، ۱۳۸۷: ۹۳) که از نشانه‌های آن، رشد و پرورش خودکنترلی در فرد است؛ اما تعامل منفی و مخرب بر سر راه رشد روانی و اجتماعی مانع ایجاد می‌کند. از جمله نمونه‌های تعامل منفی ارتکاب رفتار مجرمانه از طرف عنصر جامعه‌پذیرکننده علیه عنصر جامعه‌پذیرشونده می‌باشد. بنابراین، بزه‌دیدگی با ایجاد اختلال در فرآیند جامعه‌پذیری افراد، آنها را دچار ضعف خودکنترلی و ویژگیهای ذیل می‌کند: اول: شتابزدگی،^۱ دوم: راحت‌طلبی،^۲ سوم: تکیه بر فعالیت‌های فیزیکی (جسمانیت)،^۳ چهارم: خطرپذیری،^۴ پنجم: خودمحوری،^۵ ششم: ابراز خشم.^۶

۲-۲. عدم آگاهی از ساختار و چگونگی کارکرد شبکه‌های اجتماعی

سهل‌الوصول شدن استفاده از سایت‌های اینترنتی و همچنین، عضویت در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام موجب شده تا طیف گسترده‌ای از اقشار کودک و نوجوان به راحتی در این فضاها تبادل اطلاعات عضو شوند؛ بدون این که آگاهی کافی و درستی از شرایط، امکانات و چگونگی کارکرد هر یک از این فضاها داشته باشند؛ برای مثال، بسیاری از کاربران شبکه اجتماعی اینستاگرام و تلگرام از برخی امکانات این شبکه در مورد این که چه طیفی از کاربران این شبکه قادر به دیدن عکس‌های وی هستند یا می‌توانند اطلاعات خصوصی وی را مشاهده

1. Impulsivity
2. Simple tasks
3. Physical activities
4. Risk seeking
5. Self - centerdness
6. Temper

کنند، مطلع نیستند؛ لذا، به راحتی به انتشار و اشتراک‌گذاری مطالب و محتواهای خصوصی خود دست می‌زنند و همین باعث سوءاستفاده برخی کاربران فرصت‌طلب می‌شود که زمینه‌ساز خودکشی آنلاین خواهد بود.

همچنین، یکی از شیوه‌های جدید خودکشی متأثر از شبکه‌های اجتماعی، پیمان خودکشی توافقی است. بر اساس این روش، بین ۲ یا چند نفر برای خودکشی در یک زمان خاص هماهنگی می‌شود. برعکس پیمان خودکشی سنتی که معمولاً بین زن و شوهر اتفاق می‌افتد، در پیمان خودکشی جدید که به صورت آنلاین انجام می‌شود، افراد غریبه از هم اقدام به چنین رفتاری می‌کنند. این افراد با استفاده از اتاق‌های گفتگوی آنلاین و تابلوهای اعلانات مجازی و انجمن‌های مجازی، راهی بدون واسطه برای به‌اشتراک گذاشتن احساسات خود با سایر افراد همفکر فراهم می‌کنند و به آسانی در مورد افکار و احساسات خود صحبت می‌کنند (شاه، ۲۰۱۰: ۱۴۷). اولین استفاده مستند از اینترنت برای ایجاد یک پیمان خودکشی در سال ۲۰۰۰ در ژاپن گزارش شد و اکنون این شیوه در ژاپن به شکل رایج‌تری از خودکشی تبدیل شده و یکی از بالاترین نرخ‌های خودکشی در جهان را دارد. شواهدی وجود دارد که پیمان‌های خودکشی سایبری ممکن است تقریباً یک سوم از خودکشی‌ها را در آن کشور تشکیل دهد (هیندوجا و پاچین^۲، ۲۰۱۰: ۲۰۷).

۲-۳. عدم آگاهی والدین نسبت به فضای تبادل اطلاعات

بسیاری از والدین با توجه به اختلاف سنی و شرایط متفاوت دوران رشد خود و تفاوت‌های فاحش ارزشی حاکم بر دنیای آنها با دنیای فرزندان خود، از آسیب‌ها و فرصت‌های شبکه مجازی غافلند؛ لذا، قادر به مدیریت و درک درست رفتارهای فرزندان خود نبوده و این عامل باعث تشدید در معرض آسیب قرارگرفتن فرزندان می‌شود.

علاوه بر این، پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی مانند اتاق‌های گفتگو و تالارهای گفتگو نیز ممکن است با تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری برای خودکشی، خطری را برای گروه‌های آسیب‌پذیر ایجاد کنند. در این اتاق‌ها، برخی کاربران افراد را تشویق می‌کنند تا تجاربی از خودکشی داشته باشند و یا افرادی را که خودکشی کرده‌اند، قهرمان معرفی کنند. همچنین، در این اتاق‌های گفتگو ممکن است پیمان‌های خودکشی تسهیل شوند و یا افرادی که در مورد خودکشی ترس و تردید دارند، از ترس و تردید آنها کاسته شود. علاوه بر این، برخی

1. Shah
2. Hinduja & Patchin

رسانه‌های اجتماعی بستری برای یادداشت‌گذاشتن افرادی می‌شود که خودکشی می‌کنند و یا عمل انتحاری خود را با مردم به اشتراک می‌گذارند. این عمل ممکن است که بر تصمیمات سایر افراد آسیب‌پذیر که با شرایط خودکشی مواجه هستند، تأثیر بگذارد (بل^۱، ۲۰۰۷: ۴۴۶). همچنین، تبلیغات رسانه‌های اجتماعی، افراد را در معرض مواد سوءمصرفی از جمله الکل، تنباکو و ماری‌جوانا قرار می‌دهد که می‌تواند منجر به خودآزاری و خودکشی بالقوه شود. چنین تبلیغات هدفمند و نامحدود از طریق رسانه‌های اجتماعی می‌تواند اثرات رفتاری جدی بر روی نوجوانان داشته باشد. نوجوانان در رسانه‌های اجتماعی در معرض خطر قربانی شدن جرایم جنسی هستند، زیرا مجرمان جنسی می‌توانند از رسانه‌های اجتماعی برای فریب نوجوانان برای استثمار جنسی استفاده کنند و این تجربیات جنسی با افزایش خطر عواقب نامطلوب اجتماعی، تحصیلی و رفتاری همراه است (بایلین، میلانیک و آدزمن^۲، ۲۰۱۴: ۶۰۶). نگرانی دیگر نقش رسانه‌های اجتماعی در درونی‌سازی تصویر بدن «لاغر ایده‌آل» توسط دختران نوجوان است و طبق شواهد پژوهشی که بر روی دختران دبیرستانی با استفاده از فیس‌بوک انجام شد، نارضایتی ناشی از تصویر بدن با اثرات نامطلوب سلامت جسمی و روانی و تمایل به خودکشی در نوجوانان مرتبط است (تیگمان و اسلاتر^۳، ۲۰۱۳: ۶۳۱).

۲-۴. عدم آگاهی کاربران از قوانین و جرایم فضای تبادل اطلاعات

با توجه به نوپا بودن شبکه‌های اینستاگرام و تلگرام و گستردگی سیل‌وار کاربران این شبکه طی چند سال اخیر، بتدریج جرایم فضای سایبری در حال عیان‌شدن است. اکثر کاربران اینترنتی ناآگاه از قوانین شبکه‌های اجتماعی سایبری، پس از انتشار محتوایی که به نظر آنها امری عادی و غیرمجرمانه تلقی می‌شود، به عنوان مجرم احضار یا دستگیر می‌شوند که این عدم آگاهی در جای خود باعث افزایش خودکشی آنلاین می‌شود (کرامتی معز و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۹).

البته، هنگام بررسی رویکردهای بهداشت عمومی برای پرداختن به برخی از مشکلات رسانه‌های اجتماعی و خودکشی، باید مسائل حقوقی نیز در نظر گرفته شود؛ به ویژه پیچیدگی‌های قانونی مرتبط با نظارت و فیلترکردن محتوا در اینترنت در این زمینه تعیین‌کننده هستند. اگرچه برخی از کشورها قادر به کنترل وبسایت‌های اینترنتی ایجادشده در داخل مرزهای خود هستند، اما رویه قضایی بین‌المللی به‌دست‌آوردن صلاحیت قضایی بر روی سایت‌هایی که منشأ آنها خارج از کشور است را دشوار می‌کند. همچنین، بحث در مورد اینکه

1. Bell

2. Bailin, Milanaik & Adesman

3. Tiggemann & Slater

آیا بخش دولتی یا بخش خصوصی باید مسئول محدود کردن محتوا در اینترنت باشد و چه مقدار محدودیت باید مجاز باشد، یکی از چالش‌های کشورهای است؛ چرا که تولید و انتقال اطلاعات از طریق اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، غیرمتمرکز بوده و دائماً توسط کاربران تغییرات به‌روز می‌شود (میشرا و ویستوب^۱، ۲۰۰۷: ۶۱).

۲-۵. مجازی‌انگاری فضای سایبر

مجازی‌انگاری فضای سایبر از همان بدو پیدایش فضای سایبر، حتی از زبان پدیدآورندگان آن به گوش می‌رسید که این فضا ماهیت مجازی دارد و در واقع، آن را در برابر دنیای فیزیکی قرار می‌دادند که از آن به عنوان دنیای واقعی نام می‌بردند. همین امر باعث شده تا فعالان این فضا با تلقی مجازی بودن آن سعی کنند آنچه را که در رؤیاهای و تخیلات خود جستجو می‌کردند، در این فضا پیاده کنند. منطق‌پردازی‌هایی مانند «این فقط حرفه!»، یک شگرد زبانی خنثی‌سازی است که تقریباً دستاورد فرعی ماهیت ناپایدار اینترنت و وابستگی متنی آن برای برقراری ارتباطات به شمار می‌آید. ممکن است مرتکب، احساس گناه را در خود از بین ببرد و وجود بزه‌دیده را با منطق‌پردازی‌هایی مانند «آنها واقعا اینجا نیستند» و «این کارها واقعی نیست»، نادیده بگیرد.

آن دسته از افرادی که تصمیم می‌گیرند تا خطر آزار دادن دیگران در اجتماع‌های برخط، از جمله کودکان را بپذیرند، می‌توانند برای خود، فاصله مکانی با طرفهای گفتگویشان را یادآور شوند و به همین ترتیب، خود را از پاسخگویی و خودکنترلی برهانند. این در حالی است که با توجه به میزان گمنامی اعطاشده به مرتکب، امکان تلافی از سوی طرف مقابل ناچیز است. بیشتر کاربران شبکه‌ای پندارشان از فضای سایبر فقط یکسری تصاویر و اعداد و ارقام است که در نمایشگر دیده می‌شوند، غافل از اینکه همه‌ی فعل و انفعالاتی که انجام می‌شود، کاملاً اثر و بازتاب واقعی دارند و در زندگی فیزیکی آنها اثر مستقیم می‌گذارد. این وضعیت به معضل دیگری تحت عنوان بی‌هنجاری یا خلاء هنجاری^۲ نیز منجر می‌شود. ممکن است تصور شود که حفظ ارزشهای اجتماع مجازی و احترام به مقررات آن تأثیری در زندگی واقعی کودکان نداشته و این وضعیت ناپایدار به آنها آمادگی ذهنی می‌دهد تا «تعطیلات اخلاقی»^۳ داشته باشند و باورهایشان در برابر هنجارها، ارزشها و مقررات اجتماعی برخط سست شود.

1. Mishara & Weisstub
2. Anomie
3. Moral Holiday

مجازی‌انگاشتن فضای سایبر به نوبه‌ی خود پیامد ناگوار دیگری را برای جامعه‌ی اطلاعاتی و البته، دستاوردهایی برای اعضای بداندیش آن به همراه داشته است؛ از جمله مهم‌ترین پیامدهای قابل ذکر، گمنام‌انگاری رایانه‌ای است؛ به این معنا که عضو جامعه‌ی اطلاعاتی با پوشیده و پنهان داشتن هویت واقعی خود از گذر بکارگیری هویت دروغین یا ربودن هویت دیگران، می‌کوشد انگیزه‌های جنایی خویش را تحقق بخشد. در تعریف واژگانی، منظور از گمنامی یا ناشناختگی هویت به طور ساده «بدون نام بودن» یا «نام دروغین داشتن» است. در زبان عرفی، گمنام به شخصی اطلاق می‌شود که هویت معتبری نداشته باشد یا هویت وی قابل احراز و انتساب به وی نباشد. گمنامی ارتباط تنگاتنگ و مستقیمی با مفهوم «عرفی»^۱ و «تأیید»^۲ دارد. معرفی فرایندی است که در پی آن، فرد با ارائه‌ی اطلاعات شخصی، خودش را به دیگران می‌شناساند و انتظار دارد به عنوان عضوی از اجتماع تأیید و پذیرفته شود؛ هرچه میزان پذیرش افراد اجتماع گسترش یابد، گمنامی کمرنگ‌تر خواهد شد. به دیگر سخن، پذیرش اجتماعی افراد برای خارج‌شدنشان از گمنامی کافی است و تأیید آن صرفاً برای اعطای حقوق تکالیف قانونی و اجتماعی است. پس، «هویت فردی»^۳ پنداشت نسبتاً پایدار فرد نسبت به شخصیت خود، در ارتباط با افراد و سایر گروه‌هاست که از طریق تعاملات اجتماعی با دیگران در فرایند اجتماعی شدن تکوین می‌یابد (ذکایی، ۱۳۸۹: ۴۹).

حال در دنیای سایبر، هنگامی که کودک برای برقراری تعاملات اجتماعی، ارتباطات الکترونیکی را به خدمت می‌گیرد، هویت دقیقاً به چه معناست؟ یکی از تفاوت‌های بارز شناسایی هویت در دنیای فیزیکی و رایانه‌ای این است که در دنیای فیزیکی، هویت افراد یا بر پایه‌ی روابط چهره به چهره و براساس شخصیت ظاهری و رفتاری فرد از سوی دیگران پذیرفته می‌شود و یا بر پایه‌ی سوابق و اطلاعات ثبت‌شده‌ی رسمی تعریف می‌شود؛ حال آن که در فضای سایبر به دلیل حذف ماهیت فیزیکی و مکانی موجود در دنیای خاکی، اصل بر گمنام‌ماندن هویت است و هویت همان چیزی است که خود فرد اعلام می‌کند که به دلیل نبود ارتباط رو در رو و حضور فیزیکی، هر لحظه باید خود را ثابت کند. ایمیل، تارنما، وبلاگ و به طور پیشرفته‌تر، امضای دیجیتال، شناسه‌هایی هستند که افراد برای اثبات هویتشان در دنیای رایانه‌ای به کار می‌گیرند.

1. Identification
2. Authentication
3. Self-identify

با این حال، ناشناس ماندن هویت جزء لاینفک فضای سایبر است که انجام همه‌ی فعالیت‌های رایانه‌ای و بالأخص، شبکه‌ای را در خلوت‌ها امکان‌پذیر می‌سازد. پنهان‌سازی یا جعل هویت که یکی از پیش‌شرط‌های سوءاستفاده‌های موفقیت‌آمیز تلقی می‌شود و به سختی در دنیای فیزیکی امکان‌پذیر است، در فضای سایبر تقریباً به آسانی از عهده‌ی هرکسی ساخته است. همین ویژگی باعث می‌شود شخص به سرعت و بدون مشاهده کسی یا حتی بهتر از آن، بی‌آنکه کسی بتواند به حریمش متعرض شود، هر کاری که می‌خواهد انجام دهد. شرایط روانی خلوت، عدم احساس خطر نسبت به آسیب‌دیدن شخصیت اجتماعی به علت عدم حضور در جامعه و ویژگی ناشناسی، یک حس تحریک، غلیان احساسی و فقدان مسئولیت منجر به ولنگاری در شخص پدید می‌آورد که موجب کاهش محدودیت‌های درونی و فقدان علقه‌های اجتماعی یا «خودارجمندی» می‌شود (حسنی، ۱۳۸۹: ۱۷۵).

اگر از نگاه بزه‌دیدگان بالقوه، بویژه کودکان، به گمنامی در دنیای سایبر بنگریم، ناشناس ماندن هویت موجب می‌شود آنها هنگام قرارگرفتن در محیط‌های پرخطر، کمتر در معرض سوءاستفاده‌های احتمالی قرار بگیرند. همانگونه که در دنیای فیزیکی برخی از افراد بنا بر شرایط و دلایلی اجازه پیدا می‌کنند که هویت خود را برملا نکنند و از مزیت گمنامی برخوردار باشند، در دنیای سایبر نیز گمنامی برای عده‌ای ضروری انگاشته می‌شود. بر همین اساس، در برخی از کدهای رفتاری که برای حمایت از برخی گروه‌های آسیب‌پذیر و در معرض خطر مانند کودکان پیش‌بینی شده، توصیه شده است که از بکارگیری شناسه‌هایی که دربردارنده‌ی اطلاعاتی درباره هویت واقعی‌شان است، خودداری کنند و نام و نام‌خانوادگی‌شان را در رایانامه یا نام‌های کاربری‌شان بکار نبرند (امیریان فارسانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹-۱۸).

۲-۶. دسترس‌پذیری آماج‌های گوناگون رایانه‌ای

به طور کلی، اینترنت راهی را برای مردم فراهم کرده است که چگونگی توصیفات خودکشی و همچنین، ابزارهای مرگبار را برای خودکشی به دست آورند. داروخانه‌های آنلاین غیرقانونی در برخی کشورها خطر قابل‌توجهی را برای مردم به همراه داشته است. جوانان زیادی با خرید داروهای کشنده در داروخانه‌های آنلاین خودکشی کرده‌اند. این داروخانه‌های آنلاین عموماً نسخه‌ای دریافت نمی‌کنند و هر گونه داوری خطرناک را به شکل‌های مختلف به فروش می‌رسانند (موری، میاگاتانی، ناکمه، مرو و تانیاما، ۲۰۱۰: ۲). همچنین، در دنیای فیزیکی، آماج‌های جنایی معمولاً در نقطه‌های جداگانه‌ای متمرکز و از هم تفکیک شده‌اند؛ برای نمونه،

1. Morii, Miyagatani, Nakamae, Murao, & Taniyama

برای سرقت از هر بانکی به دلیل موقعیت مکانی خاص و جداگانه‌ی آن، بزهکار شیوه‌ی خاصی را تعریف می‌کند یا کلاهبرداری از یک مؤسسه آموزشی آماج جداگانه‌ای محسوب می‌شود. قاعدتاً، بزهکار برای هدف قراردادن هریک از اختیارات به منظور جلب منفعت برای خود یا دیگری، جرائم گمرکی، جرائم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و به طور کلی، جرم علیه حقوق مالی دولت، به دستور دادگاه صادرکننده رأی قطعی، خلاصه متن حکم شامل مشخصات فرد، سمت یا عنوان، جرائم ارتكابی و نوع و میزان مجازات محکوم علیه به هزینه وی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و عنداللزوم یکی از روزنامه‌های محلی منتشر و در اختیار سایر رسانه‌های عمومی گذاشته می‌شود؛ مشروط به آنکه ارزش عواید حاصل از جرم ارتكابی یکصد میلیون ریال یا بیشتر از آن باشد.

این آماجها، یک شیوه ارتكاب خاص طراحی خواهد کرد و نمی‌تواند با یک روش به همه‌ی این آماجها دسترسی داشته باشد.

در دنیای سایبر، این معادله دگرگون شده است. مجرمان همه‌ی آنچه را می‌خواستند، اکنون در یک جا می‌بینند: امنیت ملی، اموال عمومی و خصوصی، حیثیت و حتی در مواردی، جان افراد تبدیل به ارقام صفر و یک شده و در تمام جهان در دسترس دیگران قرار گرفته است (حسنی، ۱۳۸۹: ۱۷۳). پس از گذشت یک‌سوم قرن، بشر با پیشرفت‌های فنی و فناورانه‌ی پدیده‌ای نوظهور شگفت‌زده شد. پیدایش و گسترش رایانه‌های شخصی و برقراری ارتباطات سریع دیجیتالی، تلفیق فناوری اطلاعات (ای تی) با فناوری ارتباطات (ای سی تی)، رونق تلفن‌های همراه، شبکه‌های رایانه‌ای پرسرعت و صنعت محتوای دیجیتالی، اینترنت و خدمات وب، همه و همه مستقیماً «کارکردهای رایانه‌ای» و آبخاری از اطلاعات را در دسترس کاربران قرار داده‌اند.

با جمع‌شدن همه‌ی امور در دنیای سایبر، برای بزهکاران رایانه‌ای این امکان فراهم شده است تا هر نوع آماج مجرمانه‌ای را در یک محیط واحد در اختیار داشته باشند. در جهان خاکی، امور مختلف هر کدام در محیط‌های ویژه‌ی خود انجام می‌شوند و هیچ‌گاه امور اداری، آموزشی، سرگرمی، تجاری، اقتصادی، پولی و بانکی و فرهنگی در یک مکان جمع نمی‌شوند و برای همه‌ی آن‌ها یک ابزار یا روش کاربری پیش‌بینی نمی‌شود؛ نه به این دلیل که چنین اراده‌ای وجود ندارد، بلکه این کار غیرممکن است. اما در جهان سایبر، به لطف ویژگی مجازی‌سازی امور جاری در دنیای خاکی، همه چیز در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و جالب‌تر آنکه تنها با دراختیارداشتن یک ابزار و کارکردهای رایانه‌ای تقریباً مشابه، امور همگی بسامان

می‌شود. این سهولت دسترسی نقطه‌ی مقابل زبانزدی است که می‌گوید: «تخم‌مرغ‌هایت را در یک سبد نگذار». در پروژه‌ی «کارت هوشمند چندمنظوره‌ی ملی» در سال ۱۳۸۳، مقامات دولتی با توجه به تکالیف قانون برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی کشور مبنی بر بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات برای بهبود کمی و کیفی ارائه‌ی خدمات به شهروندان و فراهم‌ساختن زمینه‌های اجرای قانون تجارت الکترونیکی، به فکر تدوین سند کارت هوشمند چندمنظوره‌ی ملی افتادند. هدف از بکارگیری چنین کارتی به عنوان یکی از زیرساخت‌های اطلاعاتی در کنار مراکز داده و شبکه‌های ارتباطی برای ارائه‌ی خدمات الکترونیکی یکپارچه، این بود که یکی از ضرورت‌ها و الزامات پیاده‌سازی طرح دولت الکترونیک تحقق یابد و جایگزین انواع کارت‌های هوشمند، مانند کارت سوخت، کارت‌های اعتباری بانک‌ها، کارت‌های هوشمند اداری، کارت‌های تلفن، کارت‌های هوشمند دانشجویی و... شود و در واقع، همه این کارتها در کارت هوشمند ملی ادغام شود تا بدین ترتیب، مردم از انبوه کارت‌هایی که این روزها هر سازمانی درصدد طراحی و ترویج آن است، رها شوند. این وضعیت، شرایطی را به وجود می‌آورد تا مرتکبان بالقوه بتوانند در یک محیط به همه‌ی آمیج‌های مجرمانه‌شان دسترسی داشته باشند. چنانچه دارنده‌ی کارت آن را گم کند، بزهکار تنها به وسیله یک نرم‌افزار مربوط به شکستن رمز عبور می‌تواند تمامی اطلاعات و دارایی‌های الکترونیکی شخص را به دست آورد. این وضعیت صاحب کارت را از جنبه‌های گوناگون دچار آسیب می‌کند. برای یابنده این امکان را به وجود می‌آورد تا با دسترسی به طیف گسترده‌ای از اطلاعات و دارایی‌های ارزشمند شخص، با انگیزه‌های گوناگون اعم از مالی، انتقام‌جویی یا سرگرمی از فرد سوءاستفاده کند.

با این حال، امکان دسترسی سریع و آسان به انواع اطلاعات و خدمات در دنیای سایبر بخودی‌خود زیانبار نیست. این ویژگی زمانی یک عامل محیطی مهیاکننده‌ی بزهکاری محسوب می‌شود و فضای سایبر را به فضایی دلخواه برای بزهکاران تبدیل می‌کند که بدون پیش‌بینی تدابیر امنیتی مربوط به حفاظت از داده‌ها و کاربران، همه‌ی امور خرد و کلان زندگی‌مان را به این دنیا انتقال دهیم؛ بی‌آنکه تدابیری مانند امضاهای الکترونیکی و دیگر اشکال کدگذاری‌ها و مسدودکردن داده‌ها، حفاظت هرچه بیشتر دارایی‌هایمان را در دنیای سایبر پیش‌بینی و تضمین کرده باشیم.

در حالی که فناوریهای اطلاعات و ارتباطات امکان ایجاد اقتصادهای جهانی و شبکه‌های دانشی مشروع و انواع فعالیتهای بهره‌ورانه‌تر را فراهم می‌آورند، به روی تاریک‌تر نیز اجازه

می‌دهند تا کاربری نامشروع از شبکه‌های اطلاعات را نظاره‌گر باشند. بزهکاری رایانه‌ای، جلوه‌ی تاریک فضای مجازی است که از آن به عنوان خانه‌ی جدید ذهن یاد شده است. گروه‌های جنایتکار سازمان‌یافته که پیش‌تر در سطح ملی فعالیت می‌کردند، اکنون می‌توانند شبکه‌های جهانی را برای گسترش سوداگری‌های نامشروعشان به کار گیرند (امیریان فارسانی و همکاران، پیشین: ۲۲-۱۴).

بنابر آنچه که در خصوص دسترس‌پذیری آماج‌های گوناگون رایانه‌ای گفته شد، کودکان به عنوان ضعیف‌ترین اقشار، بیشترین صدمه را از این قابلیت فضای سایبر متحمل می‌شوند؛ چه اینکه فناوری اطلاعات به گروه‌های جنایتکار امکان داده تا با سایر بزهکاران در سراسر جهان کنش داشته باشند و کودکان به عنوان بزه‌دیدگان بالقوه را با یک کلیک شناسایی کنند و به شکل گمنام، اهداف شومی چون خودکشی آنلاین کودکان را عملی نمایند.

۳. راهکارهای پیشگیری از خودکشی‌های مرتبط با تعرضات آنلاین

بررسی و شناسایی رفتارهای خطرناک و حمایت از افرادی که به خاطر آزار آنلاین آسیب‌پذیر شده‌اند، بسیار مهم است. بسیاری از شبکه‌های اجتماعی در حال ایجاد ابزارهای جدیدی برای گزارش و مسدودکردن آزاردهندگان هستند.

۳-۱. آموزش و آگاهی

آموزش کاربران، به‌ویژه جوانان، درباره خطرات استفاده از شبکه‌های اجتماعی و راه‌های مقابله با آزاروآذیت آنلاین می‌تواند مؤثر باشد. این آموزش باید شامل روش‌های مدیریت احساسات و حمایت از سلامت روان باشد. یادگیری درباره آزاروآذیت آنلاین و روش‌های مقابله با آن، مخصوصاً برای جوانان، بسیار مهم است.

۳-۲. حمایت‌های اجتماعی و روانشناسی

ایجاد فضاهای امن و گروه‌های حمایتی آنلاین می‌تواند به بهبود وضع روانی افراد کمک کند و احساس تعلق و امنیت را برای آن‌ها فراهم آورد. در صورت لزوم، مشاوره یا درمان روانی می‌تواند به فرد آسیب‌دیده کمک کند تا با عواقب آزاروآذیت آنلاین کنار بیاید.

۳-۳. گزارش به مراجع ذیصلاح

کاربران باید هرگونه رفتار آزاردهنده را به پلتفرم مورد استفاده گزارش دهند. گزارش‌دهی در مورد رفتارهای آزاردهنده آنلاین که می‌تواند به خودکشی منجر شود، امر بسیار مهمی است.

در این راستا، مراجع ذیصلاح مختلفی وجود دارند که می‌توان به آن‌ها رجوع کرد: ۱- پلتفرم‌های اجتماعی: اکثر شبکه‌های اجتماعی گزینه‌هایی برای گزارش رفتارهای آزاردهنده یا محتوای نامناسب دارند. کاربران می‌توانند از این گزینه‌ها برای اطلاع‌رسانی در مورد آزارواذیت آنلاین استفاده کنند. ۲- مراجع قضائی: در صورتی که رفتار آزاردهنده شامل تهدیدات جدی یا اقداماتی از قبیل خشونت باشد، می‌توان به مراجع قضائی یا پلیس مراجعه کرد. گزارش به پلیس می‌تواند در مواردی که تهدیدات امنیتی وجود دارد، ضروری باشد. ۳- سازمان‌های حمایت از حقوق بشر: بسیاری از سازمان‌های غیردولتی و حمایت از حقوق بشر در برابر آزارواذیت آنلاین فعال هستند و می‌توانند مشاوره و کمک لازم را ارائه دهند. ۴- مشاوران روان‌شناسی یا خدمات بهداشت روان: اگر فردی تحت تأثیر آزارواذیت آنلاین قرار گرفته و احساس خطر یا اضطراب می‌کند، مراجعه به مشاوران روان‌شناسی یا خدمات بهداشت روان می‌تواند مفید باشد. این خدمات ممکن است شامل مشاوره تلفنی یا حضوری باشند. ۵- سازمان‌های دولتی (مانند وزارت بهداشت یا وزارت آموزش و پرورش): در برخی کشورها، وزارتخانه‌های دولتی مسئولیت حمایت از قربانیان آزارواذیت را برعهده دارند و می‌توانند اطلاعاتی درباره چگونگی گزارش‌دهی ارائه دهند. ۶- خطوط مشاوره و بحران: بسیاری از کشورها شماره‌های تماس برای گزارش رفتارهای آزاردهنده و مشاوره در مواقع بحرانی دارند. این خطوط معمولاً ۲۴ ساعته در دسترس هستند و می‌توانند حمایت فوری را ارائه دهند. ۷- معلمان و مدیران مدارس: در مورد دانش‌آموزان، معلمان و مسئولان مدارس می‌توانند مکانی برای گزارش‌دهی و دریافت کمک باشند. مدارس معمولاً دارای سیاست‌های مشخصی برای رسیدگی به آزارواذیت هستند.

در هنگام گزارش‌دهی، مهم است که هرگونه مدرک یا مستندات مرتبط با آزارواذیت جمع‌آوری شود، مانند پیام‌ها، ایمیل‌ها یا اسکرین‌شات‌ها. مهم است که قربانیان آزارواذیت از حمایت‌های اجتماعی و حرفه‌ای برخوردار شوند تا بتوانند به بهبودی و امنیت خود دست یابند. گزارش‌دهی به مراجع مناسب می‌تواند به شناسایی و توقف رفتارهای آزاردهنده کمک کند و در نهایت، به نجات جان افرادی که در معرض خطر هستند، منجر شود.

۳-۴. مسدود کردن

مسدود کردن شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌هایی که منجر به تعرض و آزار آنلاین می‌شوند، می‌تواند یک اقدام مؤثر برای کاهش خطر خودکشی‌های مرتبط با این نوع آزارها باشد. در این راستا، موارد زیر قابل توجه است:

- **مسدود کردن حساب‌های آزاردهنده:** اکثر پلتفرم‌های اجتماعی امکان مسدود کردن کاربران مزاحم را فراهم می‌کنند. با مسدود کردن این حساب‌ها، فرد می‌تواند از مشاهده محتوا و پیام‌های آزاردهنده جلوگیری کند.

- **تنظیمات حریم خصوصی:** کاربران می‌توانند تنظیمات حریم خصوصی خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که فقط دوستان و آشنایان نزدیک به اطلاعات و مطالب آن‌ها دسترسی داشته باشند. این کار می‌تواند میزان تعرضات را کاهش دهد.

- **غیرفعال‌سازی حساب‌ها:** در صورتی که فرد احساس می‌کند نمی‌تواند با آزارواذیت آنلاین کنار بیاید، می‌تواند به غیرفعال کردن موقت یا دائمی حساب‌های اجتماعی خود اقدام کند. این کار می‌تواند به او فرصتی برای استراحت و بازیابی روحیه بدهد.

- **گزارش به پلتفرم:** اگر فرد با رفتارهای آزاردهنده مواجه شود، می‌تواند این رفتارها را به خود پلتفرم گزارش کند. بیشتر شبکه‌های اجتماعی سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای برای جلوگیری از آزارواذیت دارند و ممکن است حساب‌های مزاحم را مسدود کنند.

- **استفاده از ابزارهای فیلتر و بلاک هوشمند:** برخی از نرم‌افزارها و ابزارها وجود دارند که می‌توانند به شناسایی و مسدود کردن خودکار محتوای آزاردهنده کمک کنند. این ابزارها می‌توانند پیام‌ها یا نظرات نامناسب را فیلتر کنند.

می‌توان گفت که مسدود کردن حساب‌های آزاردهنده و ایجاد یک فضای امن آنلاین از جمله اقدامات مهمی است که می‌تواند به کاهش خطرات روانی و اجتماعی مرتبط با آزارهای آنلاین منجر شود. به علاوه، مراقبت و توجه به سلامت روانی افراد نیز اهمیت دارد تا در صورت بروز مشکلات، اقدام به دریافت کمک‌های لازم کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی‌های نظام‌مند در بسیاری از کشورها نشان داده است که صرف زمان بیشتر در شبکه‌های اجتماعی آنلاین منجر به قرار گرفتن بیشتر در معرض و مشارکت در رفتار آسیب‌رسانی به خود می‌شود. به عبارت دیگر، هرچقدر افراد زمان بیشتری در شبکه‌های اجتماعی آنلاین صرف کنند، افزایش پریشانی روانی و افکار خودکشی در آنها بیشتر می‌شود. در مجموع، شواهدی در حال افزایش است که رسانه‌های اجتماعی می‌توانند بر رفتار خودکشی تأثیر بگذارند. از آنجایی که اینترنت موانع جغرافیایی برای ارتباط بین افراد را از بین می‌برد، ظهور سایت‌های رسانه‌های اجتماعی خودکشی ممکن است خطر جدیدی را برای افراد آسیب‌پذیر ایجاد کند. این در حالی

است که سایت‌های شبکه‌های اجتماعی برای پیشگیری از خودکشی می‌توانند ارتباطات اجتماعی را در میان همسالان با تجربیات مشابه تسهیل کنند و آگاهی از برنامه‌های پیشگیری، خطوط کمک در بحران و سایر منابع حمایتی و آموزشی را افزایش دهند.

در همین راستا، ایجاد یک شبکه حمایتی از دوستان و خانواده می‌تواند نقش مؤثری در مقابله با اثرات آزار آنلاین داشته باشد. در کنار این اقدامات، مهم است که جامعه، خانواده و نهادهای آموزشی نیز درباره این موضوع اطلاعات کافی داشته باشند و در صورت لزوم، به افراد آسیب‌دیده کمک کنند. توجه به موضوع آزاروآذیت آنلاین و پیگیری راهکارهای مناسب می‌تواند به کاهش مشکلات ناشی از آزاروآذیت آنلاین کمک کند و محیط سالم‌تری را در فضای دیجیتال فراهم آورد. به‌طور کلی، مشکلات مربوط به تعرضات آنلاین و تأثیر آن‌ها بر خودکشی‌ها نیاز به توجه بیشتری از سوی جامعه، خانواده‌ها و نهادهای سیاست‌گذار دارد. این مقاله همچنین، نشان داد که تعاملات آنلاین می‌تواند به‌طور مؤثری تحت تأثیر فرهنگ و ساختارهای اجتماعی قرار گیرد. بنابراین، برنامه‌های پیشگیرانه و مداخله‌ای باید با توجه به نیازها و شرایط خاص جوامع مختلف طراحی شوند. علاوه بر این، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، به‌ویژه نوجوانان و تشویق به ایجاد محیط‌های آنلاین سالم و همدلانه، نقش حیاتی در کاهش فشارهای روانی و جلوگیری از خودکشی دارد. همچنین، افراد مبتلا به مشکلات روانی زمان بیشتری را در وبسایت‌های شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانند و از آن برای برقراری ارتباط افکار خود با دیگران و جستجوی حمایت اجتماعی استفاده می‌کنند. بنابراین، اگر آنها توصیه‌های منفی برای تشویق فعالیت‌های خودزنی دریافت کنند، بیشتر احتمال دارد درگیر خودکشی شوند. بر همین اساس، استفاده مفرط از شبکه‌های اجتماعی آنلاین چالش مهمی در زندگی افراد جامعه است.

پیشنهادها

۱. ایجاد قوانین سخت‌گیرانه‌تر در فضای مجازی: یکی از مهم‌ترین راه‌های مقابله با تعرضات آنلاین، تصویب و اجرای قوانین سخت‌گیرانه و مؤثر در فضای مجازی است. کشورها باید قوانین خاصی برای مجازات افراد متعرض و حمایت از قربانیان داشته باشند. همچنین، پلتفرم‌های اجتماعی باید موظف شوند تا به صورت مؤثرتر و سریع‌تر محتوای مخرب را شناسایی و حذف کنند.

۲. افزایش آگاهی عمومی و آموزش: آموزش والدین، معلمان و دانش‌آموزان در مورد خطرات شبکه‌های اجتماعی و تعرضات آنلاین ضروری است. برنامه‌های آموزشی در مدارس

می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا بهتر درک کنند چگونه از خود در برابر تعرضات آنلاین محافظت کنند و در صورت مواجهه با این پدیده، به‌موقع اقدام کنند. همچنین، آگاهی‌بخشی عمومی در مورد پیامدهای روانی و اجتماعی تعرضات آنلاین می‌تواند به کاهش این پدیده کمک کند.

۳. حمایت روانی برای قربانیان: حمایت روانی از قربانیان تعرضات آنلاین از طریق مشاوره‌های روانشناختی آنلاین یا حضوری می‌تواند نقش مهمی در بهبود وضعیت روانی آنها داشته باشد. بسیاری از قربانیان به دلیل احساس شرم یا ترس از قضاوت، از کمک‌گرفتن خودداری می‌کنند. لذا، فراهم کردن امکاناتی برای دسترسی سریع و آسان به مشاوره‌های روانی و گروه‌های حمایتی ضروری است.

۴. نظارت و کنترل محتوای شبکه‌های اجتماعی: شبکه‌های اجتماعی باید الگوریتم‌های خود را به گونه‌ای بهینه‌سازی کنند که محتواهای تعرض‌آمیز سریع‌تر شناسایی و حذف شوند. پلتفرم‌ها می‌توانند از تکنولوژی‌های پیشرفته‌ای مانند هوش مصنوعی برای شناسایی محتوای مخرب استفاده کنند. همچنین، ایجاد سازوکارهای قوی‌تر برای گزارش‌دهی از سوی کاربران و واکنش سریع‌تر به گزارش‌ها باید در اولویت قرار گیرد.

منابع

- امیریان فارسانی، امین؛ عبدالصمدی، راضیه؛ حیدری فارسانی، فاطمه. (۱۳۹۹). علت‌شناسی ارتکاب جرایم سایبری و سازوکارهای پیشگیری از آن. *فصلنامه علوم خبری*، ۹(۳۵)، ۲۱۳-۱۹۳.
<http://ensani.ir/fa/article/448028/>
- حسینی، جعفر. (۱۳۸۹). *معیارهای جرم‌نگاری موارد نقض حریم داده‌های شخصی در فضای سایبر، مجموعه مقالات حقوق فناوری اطلاعات. معاونت حقوقی و قضایی قوه قضائیه.*
- حسینی، سجاد؛ رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۴۰۲). یادگیری رفتار مجرمانه در فضای سایبر. *مجلس و راهبرد*، ۳۰(۱۱۴)، ۳۱۴-۲۷۹.
https://nashr.majles.ir/article_541.html
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. چاپ دوم از دوره جدید. انتشارات دانشگاه تهران.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی جوانان ایران*. چاپ سوم. نشر آگه.
- شعبانزاده، بهناز. (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر بزهکاری کودکان خیابانی در شهر تهران (با تأکید بر مفهوم احساس تعلق اجتماعی). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگری علوم اجتماعی.*
- علیوردی‌نیا، اکب؛ یونسی، عرفان. (۱۳۹۶). تأثیر میزان خودکنترلی بر ارتکاب جرم در میان دانشجویان. *مجله راهبرد فرهنگ*، ۷(۲۶)، ۱۱۸-۹۳.
https://www.jsfc.ir/article_15127.html
- عمید، حسن. (۱۳۶۲). *فرهنگ فارسی عمید*. چاپ سوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کرامتی معز، هادی؛ میرخلیلی، سید محمود. (۱۳۹۹). پیشگیری رشدمدار از بزه‌دیدگی کودکان در شبکه‌های اجتماعی مجازی (مطالعه موردی معلمان منطقه پنج شهر تهران). *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۱۵(۵۶)، ۳۰-۱.
- <https://www.magiran.com/paper/2219803>
- مظاهری، معصومه؛ صالحی نژاد، فاطمه. (۱۳۹۲). بررسی مبانی فقهی حق کودک بر بودن با والدین و خویشاوندان با رویکردی به نظر امام خمینی (س). *پژوهشنامه متین*، ۱۵(۶۱)، ۹۷-۷۵.
https://matin.ri-khomeini.ac.ir/article_60905.html
- ویکی پدیا. (۱۴۰۳). *مفهوم خطر*. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۳/۲/۱۷، قابل‌بازبینی در پیوند:
<https://fa.wikipedia.org/wiki/>
- منادی، مرتضی. (۱۳۸۷). *درآمدی جامعه‌شناختی بر جامعه‌پژوهی*. چاپ اول. انتشارات جیحون.
- مهدی‌پور، فرشاد. (۱۳۹۷). مجازی‌شدن آسیب‌های اجتماعی؛ مساله‌ها و راه‌حل‌های سیاستی. *دوفصلنامه علمی پژوهشی دین و سیاست فرهنگی*، ۵(۲)، ۸۰-۵۱.
https://www.jrcp.ir/article_81068.html
- میانجی، محمد؛ عابدی، محمد. (۱۳۸۹). *پیشگیری از جرم و گناه (چهل حدیث)*. ستاد مردمی پیشگیری، حفاظت اجتماعی.
- نجفی علمی، محمود. (۱۳۸۹). *فناوری اطلاعات، نوجوان و بحران هویت*. انتشارات ره‌آورد نور.



نوروز، سایبا. (۱۴۰۰). مفهوم حمایت و امنیت کامل در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه غیردولتی - غیرانتفاعی خاتم.*

- Bailin, A., Milanaik, R., & Adesman, A. (2014). Health implications of new age technologies for adolescents: a review of the research. *Current opinion in pediatrics*, 26(5), 605-619.

<https://journals.lww.com/co-pediatrics/abstract/2014/10000>

-Balt, E., Mérelle, S., Robinson, J., Popma, A., Creemers, D., Van Den Brand, I., ... & Gilissen, R. (2023). Social media use of adolescents who died by suicide: lessons from a psychological autopsy study. *Child and adolescent psychiatry and mental health*, 17(1), 48.

<https://link.springer.com/article/10.1186/s13034-023-00597-9>

-Bell, V. (2007). Online information, extreme communities and internet therapy: Is the internet good for our mental health?. *Journal of mental health*, 16(4), 445-457.

<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09638230701482378>

- Brownfield, D., & Sorenson, A. M. (1993). Self-control and juvenile delinquency: Theoretical issues and an empirical assessment of selected elements of a general theory of crime. *Deviant behavior*, 14(3), 243-264.

<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/01639625.1993.9967942>

-Cha, C. B., Franz, P. J., M. Guzmán, E., Glenn, C. R., Kleiman, E. M., & Nock, M. K. (2018). Annual Research Review: Suicide among youth—epidemiology, (potential) etiology, and treatment. *Journal of Child Psychology and psychiatry*, 59(4), 460-482.

<https://acamh.onlinelibrary.wiley.com/doi/full/10.1111/jcpp.12831>

-Cooper, G. D., Clements, P. T., & Holt, K. E. (2012). Examining childhood bullying and adolescent suicide: Implications for school nurses. *The Journal of School Nursing*, 28(4), 275-283.

<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1059840512438617>

-Farrar, C. R., Sohn, H., & Park, G. (2005). Converting large sensor array data into structural health information. In *Andrew Smyth, Raimondo Betti, The 4th International Workshop on Structural Control*.

https://www.google.com/books/edition/The_4th_International_Workshop_on_Struct/6ET9AP6PRogC?

-Hawton, K., Hill, N. T., Gould, M., John, A., Lascelles, K., & Robinson, J. (2020). Clustering of suicides in children and adolescents. *The Lancet Child & Adolescent Health*, 4(1), 58-67.

[https://www.thelancet.com/journals/lanchi/article/PIIS2352-4642\(19\)30335-9/abstract](https://www.thelancet.com/journals/lanchi/article/PIIS2352-4642(19)30335-9/abstract)

-Hinduja, S., & Patchin, J. W. (2010). Bullying, cyberbullying, and suicide. *Archives of suicide research*, 14(3), 206-221.

<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13811118.2010.494133>

-Kort-Butler, L. A., Tyler, K. A., & Melander, L. A. (2011). Childhood maltreatment, parental monitoring, and self-control among homeless young adults: Consequences for negative social outcomes. *Criminal Justice and Behavior*, 38(12), 1244-1264.

<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0093854811423480>

-Lewis, S. P., Heath, N. L., St Denis, J. M., & Noble, R. (2011). The scope of nonsuicidal self-injury on YouTube. *Pediatrics*, 127(3), e552-e557.

<https://doi.org/10.1542/peds.2010-2317>

-Lup, K., Trub, L., Rosenthal, L. (2015). Instagram #instasad?: Exploring associations among instagram use, depressive symptoms, negative social

comparison, and strangers followed. *Cyberpsychol Behav Soc Netw*, 18(5), 247–252.

<https://www.liebertpub.com/doi/abs/10.1089/cyber.2014.0560>

-Luxton, D. D., June, J. D., & Fairall, J. M. (2012). Social media and suicide: a public health perspective. *American journal of public health*, 102(S2), S195-S200.

<https://ajph.aphapublications.org/doi/full/10.2105/AJPH.2011.300608>

-Memon, A. M., Sharma, S. G., Mohite, S. S., & Jain, S. (2018). The role of online social networking on deliberate self-harm and suicidality in adolescents: A systematized review of literature. *Indian journal of psychiatry*, 60(4), 384-392. DOI: 10.4103/psychiatry.IndianJPsychiatry_414_17

-Mérelle, S., Van Bergen, D., Looijmans, M., Balt, E., Rasing, S., van Domburgh, L., ... & Popma, A. (2020). A multi-method psychological autopsy study on youth suicides in the Netherlands in 2017: Feasibility, main outcomes, and recommendations. *PLoS One*, 15(8), e0238031.

<https://journals.plos.org/plosone/article?id=10.1371/journal.pone.0238031>

-Mishara, B. L., & Weisstub, D. N. (2007). Ethical, legal, and practical issues in the control and regulation of suicide promotion and assistance over the Internet. *Suicide and Life-Threatening Behavior*, 37(1), 58-65.

<https://guilfordjournals.com/doi/abs/10.1521/suli.2007.37.1.58>

-Morii, D., Miyagatani, Y., Nakamae, N., Murao, M., & Taniyama, K. (2010). Japanese experience of hydrogen sulfide: the suicide craze in 2008. *Journal of occupational medicine and toxicology*, 5, 1-3.

<https://link.springer.com/article/10.1186/1745-6673-5-28>

-Radovic, A., Gmelin, T., Stein, B. D., & Miller, E. (2017). Depressed adolescents' positive and negative use of social media. *Journal of adolescence*, 55, 5-15.

<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0140197116301713>

-Shah, A. (2010). The relationship between general population suicide rates and the Internet: a cross-national study. *Suicide and Life-Threatening Behavior*, 40(2), 146-150.

<https://guilfordjournals.com/doi/abs/10.1521/suli.2010.40.2.146>

-Tiggemann, M., & Slater, A. (2013). NetGirls: The Internet, Facebook, and body image concern in adolescent girls. *International Journal of Eating Disorders*, 46(6), 630-633.

<https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1002/eat.22141>

-Van Geel, M., Vedder, P., & Tanilon, J. (2014). Relationship between peer victimization, cyberbullying, and suicide in children and adolescents: a meta-analysis. *JAMA pediatrics*, 168(5), 435-442.

<https://jamanetwork.com/journals/jamapediatrics/fullarticle/1840250>